ادعای رجحان قرائت اُبیّ توسط کاشف الغطاء و مخالفت آن با اجماع

خب الآن چه می‌شود؟! در محل ابتلاء تری بحث شما این‌طور می‌گویی و این‌ها هم محکم شما را می‌کند! چطور واضح است؟! ائمه علیهم‌السلام راجع به قرائات در نماز مطلبی فرموده‌اند یا نفرموده‌اند؟! چطور می‌شود شما این را می‌گویی و این‌ها نمی‌گویند؟! بعد می‌فرمایی «قراءة اُبی لا تخلو من رجحان». من به‌عنوان پیشرفت بحث عرض می‌کنم. این چیزی که شما گفتی خلاف اجماع امامیه است. «لا تخلو من رجحان» خلاف اجماع! «لا تخلو من رجحان» فتوا است. فتوای به ندب است. شما به‌عنوان کسی که می‌گویی مطالب امامیه واضح است و این‌ها را برای وقت ضرورت بگذاری، فتوا می‌دهی و به یک روایت استشهاد می‌کنی و می‌گویی «لا تخلو من رجحان». و حال این‌که همین «لا تخلو من رجحان» شما خلاف اجماع است. اجماع کجا؟ اگر یادتان باشد عرض کردم؛ مرحوم شیخ بهائی شیخ الاسلام ـ شاه عباس صفوی بودند. برای یک حاکم حکومت شیعی، جامع عباسی نوشت. جامع عباسی یعنی رساله توضیح المسائل شیخ الاسلام حکومت شیعی برای سلطان. این چیز کمی نیست. رساله است. شیخ بهائی در جامع فرمودند مکروه است که بر یک قرائت مداومت کنید. آسید محمد کاظم یزدی بر جامع عباسی حاشیه دارند و فرموده‌اند «فیه تأمل» که مکروه باشد. ولی خب شیخ بهائی که گفته است. یعنی شیعه نباید تنها حفص بخواند و خلاص! این انحصار در حفص را صنعت چاپ، ترک شدن محافل اقراء و همین یک فضای نه‌ضت محدثین آورد. از قرن یازدهم این‌ها آمده است. اگر این سه تا نبود که ما امروز این بحث‌ها را نداشتیم. شما تاریخ را ببینید. سطر به سطر ببینید. مستند آن‌ها را ببینید. در منهج الصادقین، خلاصة المنهج که برای پایان قرن دهم است، می‌فرمایی قرائت شعبة بن ابی عیاش در بین عجم در غایت شهرت است. کل تفسیر منهج الصادقین و خلاصة المنهج را این‌ها طبق قرائت شعبه از عاصم می‌نویسد.

شاگرد: منهج را طبق همه می‌نویسد و در خلاصه روی شعبه می‌آید؟

استاد: نه، در منهج هم همین‌طور است. وقتی به «حتی یطهّرن» می‌رسد، ترجمه می‌کند که «حتی غسل کنند». یعنی دقیقاً متن منهج، طبق شعبه است. حفص از عاصم «حتی یطهُرن» روایت کرده، شعبة بن ابی عیاش از عاصم «یطهّرن» روایت کرده است. مالفتح الله رضوان‌الله‌علیه! در کاشان سر مزارش هم مشرف شده‌ایم. عالم بزرگی بوده‌اند. این‌ها می‌گویند «حتی غسل کنند». متن منهج بر این است. بله، در خلاصة المنهج تذکر می‌دهند.

شاگرد۲: ضمه «غسل» را هم گذاشته است؟

استاد: پاک شود و غسل کند، یکی نیست. برای این‌ها رساله‌ها نوشته شده است. شما حوصله کنید و ببینید. وقتی شاهد روشن دارد و می‌گوید در عجم غایت شهرت است، واضح است. اما وقتی صنعت چاپ آمد، چون قرائت حکومت عثمانی حفص از عاصم بود، همان را چاپ کردند. جلسات اقراء هم

رفت. همین حرف واحد هم از جناب مجلسی اول و فیض شروع شد. درحالی‌که قبل از آن‌ها این فض نبود. چقدر به‌دنبال این‌ها گشتیم. این‌ها آمد و الآن این فضا شده است.

شاگرد: تعارض کاشف الغطاء با شیخ بهائی را می‌فرمودید.

استاد: شیخ بهائی می‌گویند مکروه است که بر یک قرائت اقتصار کنید.

شاگرد: یک نفر می‌تواند بگوید حیثی است. یعنی از این باب مکروه است که قرائات دیگر فراموش نشود. ایشان هم که می‌گوید رجحان دارد از این باب است که ائمه این‌طور خوانده‌اند.

استاد: من این را به‌عنوان مقدمه گفته‌ام. اصل عرضم مانده است. من گفتم خلاف اجماع است. این حرف شیخ بهائی را به‌عنوان مقدمه آوردم. این‌که می‌گویند «لاتخلو من رجحان»، فتوای خلاف اجماع است. چرا؟ مستمسک را هم می‌خوانم. مرحوم آقای حکیم مطالب خیلی خوبی را فرموده‌اند. این اجماعی که در کتب فقهی زیاد استناد شده، اجماع جناب شیخ الطائفه در مقدمه تبیان است و تأیید آن توسط مرحوم علامه طبرسی در مقدمه مجمع. آن اجماع چه بود؟ از مذهب امامیه حرف واحد معروف است، در کنارش فرمودند «اَجمعوا علی جواز القرائه بما جاز بین القراء و کرهوا تجرید القرائه». یعنی شیعه از روز اول اجماع داشتند که سراغ مختار نروید، سراغ تعیینی یک قرائت نروید. با وجود «کرهوا تجرید القرائه» شما می‌گویید «لایخلو من رجحان»؟! این‌که خلاف اجماع است. و الا این‌که برای دیگران کاری ندارشت؛ این روایت در کافی بود. همه فقها می‌توانستند فتوا بدهند که ای شیعه سراغ قرائت ابی بروید. اما خودشان از روز اول می‌گویند «کرهوا». یعنی شیعه کراهت داشت از تجرید قرائت مفرده را. البته من به‌عنوان طلبه و مباحثه می‌گویم.

شاگرد: «کرهوا» به این معنا نیست که شیعه به یک قرائت شناخته نشود؟

استاد: اصلاً شناخته شدنی نبوده. اتفاقا اهلسنت به این شناخته شده بودند. چرا شناخته نشوند؟! امام در روایت می‌گوید «نحن نقرأ قرائة اُبیّ»، چرا شناخته نشوند؟ و حال این‌که خودشان، مالکی ها همه به قرائت اُبیّ شناخته می‌شوند. الآن الجزائری ها که تماماً مالکی هستند، چرا قرائت ورش را دارند؟! چرا مصحف آن‌ها ورش است؟! چرا قرائتشان نافع است؟! چون امامشان مالک گفته «ان قرائة نافع سنة». از هر فقیه مالکی بپرسید و بگویید اگر به قرائت دیگر نماز بخوانند باطل است؟ می‌گویید ابدا. می‌گویید می‌توانید به قرائت عشر بخوانید. جالب این است که بعد از النشر، من عرض کردم؛ شما در هیچ کجا نمی‌توانید مصحفی پیدا کنید و بگویید این مصحف قرائات سبع است. این قدر نزد قاطبه باحثین واضح است که هر مصحفی را از هر کشوری پیدا کنید، می‌گویند مصحف جامع قرائات عشر. شما بگردید ببینید سبع دارد یا نه. سبع را می‌گویند اما خود زرقانی در مناهل العرفان چه گفت؟ گفت من در چاپ اول کتاب دغدغه داشتم، بعد که «اتسع افق اطلاعی» دیدم عشر متواتر است. یعنی الآن فضا به این صورت شده است. «النشر فی القرائات العشر». النشر ابن جزری را این سه تا نگذاشت برای فضای شیعی. برای فضای اهل سنت هم صنعت چاپ و ضعیف شدن جلسات اقراء. رفت در دانشگاه‌ها و این‌ها .

علی ای حال مفاد «کرهوا تجرید القرائه» این بوده. پس این سؤال مطرح است. بحث علمی است؛ عنوانی که در فرمایش ایشان آوردم این بود: «آیا فرمایش کاشف الغطاء که قرائت اُبیّ لاتخلو من رجحان»؛ فیض و دیگران از قرن یازدهم این عبارات را داشتند. قبلش ندارید. اما بعد از قرن یازدهم که فضا غامض شد و این فضا پیش آمد، خیلی ها می‌گویند خب روایات داریم. حضرت فرمودند «نحن نقرأ علی قرائة اُبیّ». یکی دیگر از علماء گفته اند شاید «اَبَي» باشد. «نحن» را هم معنا می‌کنند، «نحن اهل البیت». قبلاً بحث کرده‌ایم.

سؤال این است که آیا این خلاف اجماع هست یا نه؟ چون اجماع مرکب بود، هم «اَجمعوا علی جواز» و هم «کرهوا تجرید القرائه»؛ قبلاً بحث کردیم، حرام نکردند. اما «کرهوا». این‌که چرا؟ متخذ از خود اهل

البیت علیه‌السلام بوده و شواهد هم دارد.

شاگرد: ایشان فرمودهاند رجحان دارد. اینکه خلاف اجماع نمیشود.

استاد: ایشان تجری کردهاند. میگویند سراغ قرائت اُبیّ‌بروید.

شاگرد: نه، فرمودهاند رجحان دارد.

استاد: این فرمایش خوبی است. یعنی کاشف الغطاء بگویند مقصودم از رجحان، اختیار القرائه نیست. چون «کره‌وا تجری القرائه»، یعنی اختیار القرائه. اختیار القرائه یک اصطلاح بسیار دقیقی است. این مانعی ندارد. نظیرش را آقای حکیم فرمودند. آقای حکیم در مستمسک فرمودند در قرائت «ملک» و «مالک»، «ملک» رجحان دارد. یادتان هست چرا آقای حکیم فرمودند رجحان دارد؟ عده‌ای از علماء مثل مرحوم آقای اراکی فرمودند معلوم است که «مالک» است؛ دغدغه نداشته باشید. مرحوم آقای مرعشی هم همینطور بودند. حتی آقای مرعشی در حاشیه عروه میگویند تعجب است از شیخ الشریعه اصفهانی! شیخ الشریعه از بزرگان مراجع و علماء نجف هستند. شیخ الشریعه یک کتابی نوشتند به نام «انارة الحالک فی ترجیح قراءة ملک علی مالک». مرحوم آقای مرعشی در تعلیقه عروه میگویند نه، ادله ایشان قبول نیست. یعنی خود مرحوم آقای مرعشی «مالک» را ترجیح میدهند. مرحوم آسید ابوالحسن در الوسیله، «ملک» را ترجیح میدهند. میگویند بعید نیست که رجحان با «ملک» باشد. مرحوم محدث نوری در فصل الخطاب چون ایشان حرف واحدی هستند، میگویند آن چه که مرضی اهل البیت بوده «ملک» است. این را محدث نوری در فصل الخطاب دارند. هنگامه است. اصلاً این حرفها برای قرن یازدهم به بعد است. شما را به خدا چند لحظه در این شواهد تأمل کنید. بحث و نظر و اشکال جای خودش. اول آن فضایی که بوده و مستندات را ببینید. اینکه حرام نیست. دیدن مستندات حرام است؟! اگر شما مستندات را ببینید میبینید اصلاً دارید با فضای آن زمان آشنا میشوید. این مبادرت به انتخاب نکردن چیز کمی نیست؛ عجله نکردن. صبر کنید مستندات را ببینید تا فضای قبل از قرن یازدهم دستتان بیاید. کما اینکه مفصل برای ما طول کشید.

شاگرد: «کره‌وا علی ...» درست است؟

استاد: نه، «کره‌وا تجری» است «علی» ندارد.

جلد ششم مستمسک، صفحه دویست و پنجاه است. سید هیچکدام را ترجیح نمیدهند. میفرمایند: «يجوز قراءة مالِكِ ومَلِك يَوْمِ الدِّينِ ويجوز في الصراط بالصاد والسين». مرحوم حکیم میفرمایند: «واختاره الزمخشري وغيره ، لأنه قراءة أهل الحرمين»[1]؛ یعنی اهل مکه و مدینه و نافع و ابن کثیر «ملک» میخواندند. در کوفه هم حمزه «ملک» خوانده. «فالبناء على رجحانه متعين».

---

[1] مستمسك العروة الوثقى نویسنده : الحكيم، السيد محسن جلد : ۶ صفحه : ۲۴۹

بازبینی #5
ایجاد شده 27 نوامبر 2025 13:00:11 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 فوریه 2026 15:19:08 توسط ... .